

میزگرد:

طرح ساماندهی زنجیره تامین گندم، آرد و نان

برگزار کننده:

گروه مطالعات و پژوهش های لجستیک و زنجیره تامین

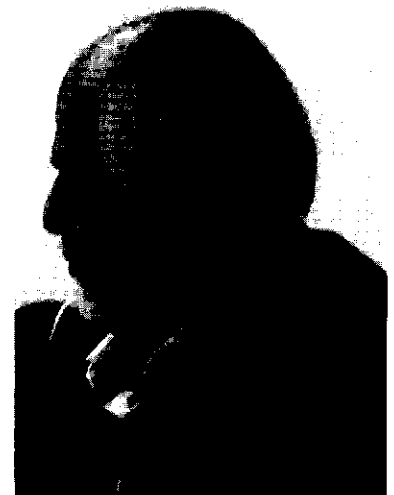
آن چه می خوانید متن مکتوب میز گردی است که با عنوان «طرح ساماندهی زنجیره تامین گندم، آرد و نان» با حضور آقایان مهندس نجمی (مشاور سرپرست موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)، دکتر رضا بازرگانی (احمد اخوی مشاور سرپرست موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)، دکتر رضا زنجیرانی (عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت و مدیر پژوهش های بازرگانی)، مهندس مهروی، دکتر علی اکبر خسروی نژاد (مدیر کل بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد) و خانم مهندس رضاپور، در محل موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی برگزار شده است.



■ نجمی: ایده‌ای که مطرح شد در قالب طرح ملی ساماندهی زنجیره اقلام و خدمات مرتبط در سال گذشته در قالب یک طرح اولیه تهیه شد که رویکرد آن طرح لزوم توجه به ابعاد سیستمی زنجیره‌های کالایی و خدمات مرتبط با کالاها در کشور بود. اجزای سیستمی که استحضار دارید شامل سخت‌افزارها و نرم‌افزارها و کلیه نیروی انسانی است که در این زنجیره‌های کالایی در کشور فعال هستند. تکنولوژی روز که در این زمینه وجود داشت در خصوص زنجیره‌های کالایی بحث مدیریت زنجیره تأمین بود و ذهنیتی که پیش آمد و پیش رفت براین اساس شکل گرفت که حتی بتوانیم از آخرین فناوری‌های روز در قالب مدیریت زنجیره‌های تأمین استفاده کنیم. در قالب این طرح اولیه ایده به این شکل بود که در عین حال که ما می‌خواهیم از طریق بکارگیری ابزار طراحی به یک دقت طراحی و صحت و ریزینی در این ساماندهی توجه کنیم، رویکردی که در کنار آن مدنظر بود حصول اجماع میان تک‌تک ذینفعانی بود که در این زنجیره فعال هستند. ایده برای اینکه بخواهد در قالب یک طرح ملی شکل بگیرد، مستلزم این بود که یک پرداخت اولیه‌ای روی آن صورت بگیرد و بودجه و امکاناتی که لازم دارد در قالب این طرح در اختیار کلیه عزیزانی که ما دیده بودیم و در این تیم طراحی و تصمیم‌گیری حضور داشته باشند فراهم شود.

خوشبختانه به توفیق خلوند ما توانسته‌ایم از عزیزانی نظیر آقای دکتر فراهانی که در این حوزه واقعاً در کشورمان بی‌نظیر هستند، بتوانیم در مؤسسه استفاده کنیم. برای اینکه این طرح را پیش ببریم و بتوانیم مطلب را خوب پرداخت کنیم در داخل مؤسسه یک طرح اولیه‌ای در قالب برنامه‌ریزی و امکان‌سنجی طرح ملی ساماندهی زنجیره تأمین کالاهای اساسی و خدمات مرتبط پیش‌بینی شد که این طرح اولیه به عنوان یک طرحی که کلیات را مشخص می‌کند و برنامه‌ریزی و امکان‌سنجی کار را برعهده دارد توسط آقای دکتر فراهانی این زحمت مورد پذیرش قرار گرفت و در تابستان ۸۵ آغاز شد و اکنون به انتها رسیده و در حال حاضر آقای دکتر و تیم گرمی ایشان روی این مرحله کار می‌کنند که در قالب یک لایحه ما بتوانیم با کمک تک‌تک عزیزانی که در این زمینه صاحب تجربه هستند این لایحه را به مراجع تصمیم‌گیر ببریم و به مرحله اجرا برسانیم.

نکته‌ای که لازم است بنده در اینجا عرض کنم موضوع زحمت‌های گذشته‌ای است که مخصوصاً در موضوع زنجیره گندم، آرد و نان اتفاق افتاده است. خیلی از زنجیره‌های کالایی در کشور ما به آن توجه نشده است یا توجه نظام‌مند و یکپارچه و جامع نشده است. اما یک طرحی که در سال ۸۳۸۴ انجام شده بود و به دستگاه‌های اجرائی ابلاغ شده بود و نگاهی که به ابعاد در آن پیشنهادی و آن بخشنامه داشتیم خیلی موضوعات جالبی در آن تعیین شده بود و مورد اشاره قرار گرفته بود. روی این حساب در آن طرح امکان‌سنجی و برنامه‌ریزی یک گام‌های یازده‌گانه‌ای را که گام‌هایی است متناسب با آخرین فناوری‌های روز، آقای دکتر پیشنهاد دادند اما موضوع ویژه گندم، آرد و نان را به عنوان یکی از پروژه‌های جداگانه و پروژه‌های



محوری و به صورت جدی از سایر کالاها جدا کردیم که ما اگر بخواهیم یک مکانیزم علمی را انجام دهیم برای کلیه اقلام ابتدا روی موضوع گندم، آرد و نان بتوانیم آن را اجرایی کنیم. در حال حاضر در خدمت حضار محترم هستیم تا بر روی این مطالب صحبت شود.

■ فراهانی: اصطلاح زنجیره تأمین خیلی لفظ قدیمی نیست دقیقاً به عنوان علم کلاسیک مدیریت زنجیره تأمین را نگاه کنیم بر می‌گردد به سال ۱۹۸۲ که این لفظ به عنوان یک مطلب آکادمیک و علمی مطرح شده است ولی خود زنجیره تأمین منهای بحث مدیریت به عنوان یک علم طبیعتاً به اندازه بشر دارای عمر است یا حداقل به اندازه لجستیک، عمر لجستیک بر می‌گردد به خود کلمه آن مربوط به یونانیان قدیم است که یک افرادی یا افسرانی به نام لجستا که افسران اداری بوده‌اند و بعداً در ارتش رم شرقی که بیژانس بوده این افراد روی علم مشخصی که پشتیبانی نظامی انجام می‌دادند این کارها را پی می‌گرفتند. در کشور ما هم خیلی معتقدند که مشکلات ما بیشتر در مدیریت لجستیک نهفته است ما در آن مرحله هستیم مقداری که پیشرفته‌تر شویم به هر حال که محیط‌های رقابتی و خصوصی‌سازی‌ها انجام شود با مدیریت زنجیره تأمین کلاسیک درگیر خواهیم شد روی این اصل مقداری از صحبت‌های بنده رنگ و بوی لجستیکی دارد و می‌خواهم اهمیت آن را عرض کنم تا بعد از آن برویم روی مباحث گندم.

همانطور که صحبت شد ما طرح ملی ساماندهی زنجیره تأمین کالا را بر روی آن کار کردیم که هدف آن این بود که کالا و خدمات با مقدار مناسبه کیفیت مناسب، در زمان مناسب در مکان مناسب با هزینه مناسب بتواند در اختیار مصرف‌کننده و یا مشتری قرار گیرد.

لجستیک بخشی از فرایند زنجیره تأمین است که ما مطالبی را که فکر می‌کنیم قابل استفاده در زنجیره تأمین در درجه اول بحث لجستیک و یا مدیریت لجستیک است که برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل مؤثر و کارا، جریان و انبارش کالاها و خدمات و اطلاعات را از مبدا تا مصرف برعهده دارد.

فعالیت‌های لجستیک مختلف هستند که بعضی از آن‌ها را به عنوان نمونه آورده‌ایم. پیش‌بینی تقاضا، ارتباطات توزیع، کنترل موجودی، جابجایی مواد، پشتیبانی کالا، انتخاب محل انبارها، تدارکات بسته‌بندی، جابجایی محصولات برگشتی، بازاریابی و از بین بردن ضایعات، حمل و نقل، کنترل ترافیک، انبارداری، ذخیره‌سازی و خدمات مصرف‌کنندگان.

به هر حال تعاریفی که در مدیریت لجستیک در بازرگانی شامل: برنامه‌ریزی، سازماندهی و کنترل فعالیت‌های مربوط به حرکت و توقف مواد است به طوری که جریان محصول را از نقطه آغازین مواد خام تا نقطه نهایی مصرف تسهیل کرده و به منظور پشتیبانی سطوح مورد انتظار خدمات مشتریان و مواد مربوطه نظیر هزینه‌ها، زمان، مکان مورد نظر و ارایه خدمات یا تحویل کالا به مشتریان و جریان اطلاعات را تحت پوشش قرار دهد.

زنجیره تأمین را بیش از لجستیک می‌دانند یعنی افراد فکر می‌کنند اگر ما شراکت، یا partnership یا IT را و یا تولید و مواردی از این دست را باید به لجستیک اضافه نمود تا مدیریت زنجیره تأمین مصداق پیدا کند. از اهمیت آن در دنیا از کمترین آن در حال حاضر که در ایالات متحده آمریکا ۸/۵ درصد GNP است تا کشورهایی که در این قضیه مشکل دارند تا نزدیک ۴۰ درصد GNP آن‌ها هزینه‌های لجستیک آن‌ها می‌باشد یعنی با یک عدد خیلی بزرگی طرف هستیم که شاید این عدد را برای کشور خودمان (ایران) ما تا به حال حساب نکرده باشیم.

نکته جالب این است که این هزینه سرسام‌آور لجستیک حدود ۶۲ درصد آن اغلب مربوط به حمل و نقل می‌باشد، ۳۴ درصد مربوط به نگهداری

موجودی و انبارداری، و حدود ۴ درصد مربوط به مدیریت لجستیک است. بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که در اقتصادهای کارا کمتر از ۹/۵ درصد هزینه‌های لجستیک و در اقتصادهای ناکارا حدود ۳۰ درصد می‌شود که این رقم به هر حال رقم کلانی است.

اما منافعی که مشخصاً از ساماندهی زنجیره تأمین کالا نامبرده می‌شود اینها مطالعاتی است که در کشورهای مختلف به عنوان پایه بوده که ما جمع کرده‌ایم. موجودی‌های کمتر، بهره‌وری بالاتر، چابکی بیشتر، موعدهای تحویل کوتاهتر، سود بالاتر، حقوق بیشتر مشتری که البته در سیستم بازرگانی قاعدتاً باید بگوییم که مصرف‌کننده، وجود موجودی اطمینان صحیح، قابلیت ردگیری رخدادهای کاهش هزینه‌ها، افزایش خدمات‌رسانی مشتری، ایجاد مزیت‌های رقابتی، تعامل نزدیک با تأمین‌کنندگان، امکان خرید مقادیر زیاد با هزینه کمتر، ایجاد یک مرجع پاسخگویی، توانایی ایجاد دقیق سیستم‌ها به صورت ترکیبی.

بررسی‌های ما نشان می‌دهد که ساماندهی زنجیره‌های تأمین یا مدیریت لجستیک از وظایف دولت است که باید ایجاد زیرساخت‌های توزیع مواد، زیرساخت‌های تبادل اطلاعاتی، حفظ و نگهداری و توسعه زیرساخت‌ها، ایجاد و ارتقاء قوانین کار، تربیت و آموزش افراد متخصص، ایجاد تسهیلات اعتباری مالی، بیمه و... انجام بدهد.

در کشورهای دنیا حتی کشورهای پیش‌رفته این مواردی است که مشخصاً می‌دهد. به عنوان مثال در آموزش ما حتی کوچکترین جایی برای اینکار که متخصص تولید کند مگر در سیستم‌های نظامی نداریم.

به هر حال پروژه‌های زیادی با میزان صرفه‌جویی‌های آن بررسی شده که دیده‌ایم چنین مواردی وجود دارد که کشورهای دیگر از این قضیه بهره‌بردارند. اما بانک جهانی مشکلات لجستیکی کشورهای در حال توسعه را چند دسته می‌کند. یکسری مشکلاتی که ما داریم مربوط به زیرساخت‌هاست.

زیرساخت‌های ضعیف حمل و نقل، سیستم‌های مخابراتی ضعیف، وسایل حمل و نقل ناکافی، شبکه جاده‌ای ناکافی، انبارهای ناکافی.

یک سری لفظهایی که ما ترجمه کرده‌ایم موجودی‌هایی که کف رودخانه می‌ماند. اسم فارسی آن می‌شود رودخانه لجن گرفته به عبارتی که ما باید لایروبی کنیم.

چالش‌های مستقیم اقتصادی آن را ذکر کردم. درک ضعیف از اقتصاد بازار و ضعف در برنامه‌ریزی اقتصادی واقع‌بینانه و عملی، ضعف در تصویر مسیر اقتصادی، تثبیت مسیر اقتصادی، بازار کوچک، بازارهای کوچک داخلی، سیستم بانکی ضعیف، فقدان مصرف‌گرائی، مشکلات حمایت‌های اقتصادی.

مشکلات سیستم‌های مدیریتی

مدیریت بروکراتیک، عدم انعطاف‌پذیری سیستم، سیستمی متشکل از عدم اعتماد دو طرفه، ضعف در کامپیوتری شدن، کمبود نیروهای صلاحیت‌دار، آموزش و پرورش ناکافی.

بعضی از مشکلات مدیریتی که عنوان شده عبارتند از: مقاومت در برابر تغییر، درک ضعیف از تعادل هزینه و خدمت، بی‌اطلاعی و جوه مشترک امور لجستیکی، اعتبار پایین مدیران در امور مربوط به لجستیک، ضعف در نوآوری و پیشروی، ضعف در تخصص‌گرائی.

یک سری مشکلات کلی که عنوان شده است در این موارد عبارتند از: عدم ثبات سیاسی، ضعف در استمرار خط مشی‌ها، منابع مالی ناکافی، فساد و پارتی‌بازی. ما تا اینجا را باید به حساب امکان‌سنجی بگذاریم و کارهایی است که باید

بشود و اما به بازرگانی چه ارتباطی دارد یک بررسی‌هایی که روی شرح مشاغل وزارتخانه‌ها انجام شده مشخص شده است که هیچ وزارتخانه‌ای مشخصاً به طور صریح در شرح وظایف‌اش قید نشده است که مثلاً امور مدیریت لجستیکی و مدیریت زنجیره‌های تأمین با این وزارتخانه باشد. ولی با توجه به مقایسه تعاریفی که از مدیریت زنجیره تأمین داشتیم با آن تعاریفی که در شرح وظایف وزارتخانه‌ها داشتیم مشخصاً وزارت بازرگانی را نزدیکترین وزارتخانه برای اینکه متولی این امر باشد، دیده‌ایم.

به علاوه دوستان دقت داشته باشند که زنجیره‌های تأمین کالا در اغلب وزارتخانه‌های ما به صورت بالادستی تعریف شده‌اند مثلاً بهداشت و درمان، بحث دارو را پشتیبانی می‌کند و وزارت صنایع بحث خیلی از کارخانجات ما را پشتیبانی می‌کند، وزارت کشاورزی همین‌طور. اغلب در بالادست هستند و تنها وزارتخانه‌ای که پایین دست را نگاه می‌کند وزارت بازرگانی تلقی می‌شود. حالا شاید به اندازه بازرگانی نباشند و در دنیای امروز مشخصاً می‌گویند زنجیره‌های تأمین شما در صورتی اصلاح می‌شود؛ شرط لازم و نه کافی برای اصلاحش این است که شما روی پایین دست تمرکز داشته باشید. یعنی روی مصرف‌کننده نهایی. به هر حال این بحثی که نشان می‌داد به وزارت بازرگانی مربوط است. حالا خانم مهندس رضاپور یک مختصری از وضع موجود سیستم از حمل و نقل و ذخیره‌سازی گندم ارایه کنند. البته آنقدر که ما می‌دانستیم و البته ما اینها را در دو تا سه سال قبل در کارهای دیگری از آقای مهندس مهری و دوستانشان در پژوهشگاه غلات یاد گرفته‌ایم و بعضی از این مطالب هم خلاصه‌ای از فرمایشات معاونت محترم بازرگانی داخلی است و آرام آرام وارد بحث گندم بشویم و سپس فرمایشات آقای مهندس مهری.

■ رضاپور: در ادامه صحبت‌های آقای فراهانی در واقع ما می‌خواهیم نمایی کلی از وضع موجود زنجیره‌های تأمین گندم، آرد و نان در کشورمان داشته باشیم و کارهایی که تا بحال در این زمینه انجام نشده است.

شما در اینجا می‌توانید شمائی خیلی ساده از زنجیره تأمین کالاها در کشورمان مشاهده کنید که در واقع گندم در یکسری مزارع تولید می‌شود و از طریق یکسری ارگان‌های تعاونی روستایی به انبارها منتقل می‌شود یا از طریق همین ارگان‌های دولتی انجام می‌شود یا مستقیم ولی با نظارت و همکاری آن‌ها. بعد از انبار شدن در این سیلوها در واقع آن‌ها را به کارخانجات تولید آرد منتقل می‌کنند. از جمله کارهایی که در این زمینه انجام شده کلاً می‌توان گفت که اکثر صاحب‌نظران معتقدند بزرگترین مشکلی که ما در ساماندهی زنجیره تأمین گندم، آرد و نان با آن مواجه هستیم دولتی بودن کالا بوده و هست به طوری که تنها می‌توان گفت گندم تنها محصول کشاورزی است که به غیر از مرحله تولید مابقی مراحل تولید آن کاملاً در انحصار دولت می‌باشد. شاید در مقطعی ما می‌توانیم بگوییم که انحصاری بودن گندم توجیهات خاص خود را داشته است. ولی در مابقی مقاطع بخصوص در حال حاضر می‌توان گفت که هیچگونه توجیهی برای انحصاری بودن گندم وجود ندارد.

کلاً یکی از بزرگترین مشکلاتی که در چرخه تولید گندم، آرد و نان وجود داشته است این بوده است که در چرخه هیچگونه عنصر رقابتی وجود نداشته است. یعنی هر چیزی را که کشاورز به عنوان گندم تولید می‌کرد دولت بایستی می‌خرید و هر چیزی را که دولت به عنوان گندم به کارخانجات تولید آرد منتقل می‌کرد آن‌ها بایستی آن را تحویل گرفته و تبدیل به آرد می‌کردند هر چیزی را که کارخانجات تولید آرد تحت عنوان آرد به واحدهای صنفی و به نان‌وایان تحویل می‌دادند، آن‌ها هم تحویل می‌گرفتند و تبدیل به نان می‌کردند و واحدهای صنفی و نان‌وایان هر چیزی را که تحت عنوان نان به مردم و

مصرف کنندگان آرایه می کردند آن‌ها نیز خریداری می کردند و کاملاً واضح است که در این چرخه هیچ گونه عنصر رقابتی وجود ندارد. به همین دلیل در دولت نهم از جمله کارهایی که انجام شد این بود که در قدم اول آن‌ها آمدند حوزه گندم و آرد را از حوزه نان جدا کردند چون این دو حوزه دو مقوله‌ای بودند که از لحاظ ساختاری کاملاً با هم متفاوت بودند آن‌ها هدف گذاری اصلی خودشان را بر این اساس قرار دادند که بیابند و عنصر رقابت را در گندم و آرد وارد بکنند به همین منظور در واقع کارهای زیادی انجام گرفت و از جمله کارهایی که انجام شد این بود که آن‌ها خواستند عنصر رقابت را وارد بازار خرید و فروش آرد بکنند و به همین منظور به بخش خصوصی این اجازه داده شد که بتواند گندم را از هر جایی که می‌خواهد بخرد و حتی وارد کند و تبدیل به آرد کند و آنرا بفروش برساند.

از آبان ماه ۱۳۸۵ این اجازه به واحدها و نانوایان داده شده است که آن‌ها از هر کدام از کارخانجات تولید آرد بتوانند آزادانه آرد خود را خریداری کنند ولی به دلیل اینکه یک قیمت دولتی یکسانی برای این محصول در نظر گرفته می‌شود مسلماً خریداران آرد به سمت کارخانجاتی کشیده می‌شوند که کیفیت آرد آن‌ها بالاتر است و این رقابت را می‌تواند تا حدودی در این بازار تشدید کند و همچنین در مورد واحدهای صنفی مصرف کننده آرد هم این قانون گذاشته شد که آن‌ها با یک قیمت تفاهمی می‌توانند از آن کارخانه مورد نظر خودشان آرد را خریداری بکنند. این عامل باعث می‌شود که در بازار خرید و فروش آرد تا حدود خیلی زیادی عنصر رقابت وارد بشود و این خود نیز بتدریج کشیده می‌شود به سمت بازار تولید گندم به دلیل اینکه کارخانجات هم برای اینکه سهم بیشتری از بازار فروش آرد را به خود اختصاص بدهند مسلماً سعی می‌کنند که کیفیت آرد تولیدی خود را بالا ببرند به همین منظور نه تنها فرآیندهای تولیدی خودشان را بهبود می‌دهند بلکه سعی می‌کنند مواد اولیه یعنی گندم را با کیفیت بالاتر هم خریداری کنند و این باعث می‌شود که عنصر رقابت وارد زمین‌های کشاورزی و در بین کشاورزان هم برای تولید گندمی با کیفیت بالاتر، ایجاد شود.

این سیاست در واقع یک سری مزایای خاص خود را به دنبال داشت، سیاست‌های کهنه و قدیمی که وجود داشت و گندم در انحصار دولت بود از بین برده و تا حدودی توانسته عنصر رقابت را وارد بازار تولید گندم و بازار خرید و فروش آرد بکند ولی با وجود این به خاطر اینکه کف قیمت گندم در بازار حفظ بشود و در عین حال بازار واسطه‌گری ایجاد نشود و به وجود نیاید تا حدود خیلی زیادی این خرید تضمینی دولت همچنان ادامه پیدا کرده و ادامه خواهد داشت. کلاً می‌توانیم بگوییم یکی از گلوگاه‌های دولت قبلاً برای خود در این زمینه ایجاد کرده بود و به وجود آورده بود این بود که سیلوسازی کاملاً در انحصار دولت بود شاید در بعضی از مقاطع می‌توانستیم بگوییم که انحصاری بودن گندم می‌توانست توجیهات خاص خود را داشته باشد ولی در هیچ مقطعی هیچ توجیهی برای اینکه سیلوسازی در انحصار دولت وجود داشته باشد وجود نداشت برای همین دلیل از آبان ماه سال ۱۳۸۴ کاری که انجام شد این بود که دولت سعی کرد در واقع انحصاری بودن ساخت سیلوهارا از بین ببرد و یکسری سیاست‌های تشویقی را به کار ببرد تا بخش خصوصی بخواهد سرمایه‌گذاری‌های زیادی در این زمینه بکند که نتایج خوبی هم به دنبال داشت به طوری که ظرفیت سیلوهای در حال ساخت در کشور به شدت در حال افزایش است.

یکی دیگر از معضلاتی که در این زمینه وجود داشت سازو کار خرید گندم بود در واقع دولت قبلاً از همان سازو کاری که برای خرید ۳ یا ۴ میلیون تن گندم تولید کشور وجود داشت استفاده می‌کرد برای اینکه ۱۱ میلیون تن گندم که در داخل کشور تولید می‌شد هم خریداری بکند این سازو کار خیلی پرهزینه و

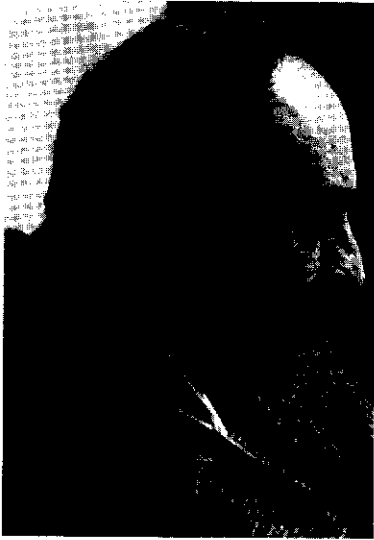
خیلی پردر دسر بود و در عین حال خیلی پرفساد هم بود. کشاورزانی که محصولات خود را به فروش می‌رسانند در واقع ۶ الی ۷ ماه طول می‌کشید تا بتوانند وجه محصولات خود را دریافت کنند که همیشه یک طرح نارضایتی خیلی زیادی را در بین کشاورزان به وجود می‌آورد به همین دلیل دولت یک طرح جدید به نام سازو کار خرید نقدی گندم را مطرح کرد که به واسطه آن این سازو کار تا حدود خیلی زیادی اصلاح شد و با موفقیت انجام شد و موفقیت‌هایی که به دنبال داشت باعث شد که به عنوان یک روش استاندارد برای سایر محصولات کشاورزی هم در نظر گرفته شود.

یکی دیگر از خدماتی که وزارت بازرگانی در زمینه گندم آرایه می‌دهد توزیع گندم است یعنی گندم از محل کشت و تولید به محلی که قرار است انبار شود می‌بایستی حمل و نقل کند که به این توزیع گندم گویند که این مسئله قبلاً مشکلات بسیار زیادی داشته و هزینه زیادی را برای وزارت بازرگانی به همراه داشت. طرح‌های زیاد دیگر هم در این زمینه اجرا شده که خواسته‌اند این سیستم توزیع را تا حدود زیادی بهبود بخشید. که از کارهایی که در حال حاضر انجام می‌شود با پیش بینی میزان تولید در مناطق مختلفه درصد توزیع آن‌ها و با توجه به فصول مختلفی که در سال وجود دارد برنامه‌ریزی صحیحی انجام شده تا محصول گندم تولیدی از همان محل تولید مستقیم به انبار نهایی هدایت و حمل شود و این هم موفقیت‌های خاص خود را در طول سال اخیر داشته و باعث شده است که امسال هیچ حمل و نقل مضاعفی مادر زمینه گندم نداشته باشیم.

البته این یک مزیت جانبی هم داشته است که کمتر از مزیت اصلی آن محسوب نمی‌شود و آن هم ایجاد یک سامانه اطلاعاتی خیلی دقیق و به‌روزی است که برای گندم در وزارت بازرگانی ایجاد شده است و در سایر ارگان‌ها نیز به راحتی قابل استفاده است. از مشکلات دیگری که مادر زنجیره تأمین گندم، آرد و نان با آن مواجه بوده و هستیم و کار زیادی هم در مورد آن انجام نشده است سیستم پخت و توزیع نان است قبلاً که جمعیت شهر ۲۵ هزار نفر بوده و تابحال که ۱۳ میلیون نفر است سیستم پخت و توزیع نان هیچ تغییری از گذشته تا بحال نکرده است به طوری که این مراکز پخت نان هم از نظر تعداد و هم از نظر پراکندگی زیاد هستند و اکثراً با وجود اینکه ۹۵ درصد ماده اولیه تولید نان را آرد تشکیل می‌دهد بین ۵ الی ۶ درصد هزینه نانی که به مشتریان داده می‌شود مربوط به این ماده اولیه یعنی آرد است و ۶۸ الی ۷۲ درصد این هزینه مربوط به دستمزد نانوایان محسوب می‌شود و کلاً می‌توانیم بگوییم که قیمت نان را دولت تعیین می‌کند

اکثر این واحدهای صنفی نانوایان برای اینکه بتوانند سود خود را حفظ کنند یا افزایش بدهند از کارگرانی که تخصص خیلی کمی دارند و بیسواد هستند استفاده می‌کنند و این تا حدودی در کشور باعث شده که کیفیت نان تولیدی پایین بیاید بطوری که نانی که امروزه تحت عنوان نان لواش در بازار عرضه می‌شود و مشتریان از آن خریداری می‌کنند چیزی جز خمیر و خشک نیست و این خود نیز برای مشتریان از نظر پزشکی و بهداشتی هم مشکلات خیلی زیادی را به دنبال می‌آورد که یکی از بزرگترین معضلاتی که در حال حاضر در کشور نمود پیدا کرده کوتاهی قد می‌باشد که مصرف چند سال خمیر خشک باعث کوتاهی قد در افراد می‌گردد.

کلاً در این زمینه به دلیل اینکه مراکز پخت نان خیلی وسیع هستند تعداد آن‌ها نیز زیاد است اکثراً هم بیسواد و کم‌سواد هستند کنترل آن توسط وزارت بازرگانی خیلی مشکل و سخت است. یکی از سیاست‌هایی که وزارت بازرگانی در سال‌های اخیر مطرح کرده است که در این زمینه هم این عامل باعث می‌شود که درصد هزینه‌های تولید نان تا حدودی حالت منطقی به خود بگیرد و از منابع هم به شکل بهینه استفاده شود و ساختار تولید نان اصلاح شود. اینها معضلاتی



توزیع می‌شود که این با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی خاصی که کشور دارد به لحاظ استانی بودن، کویر و امثالهم... واقعاً کاری است اصلی و بزرگ از لحاظ کمی (کمیت) به طوری که همینطور که گفتیم این زنجیره نمی‌تواند دچار اختلال گردد و این امر بسیار جدی و دشواری است که این امر توسط وزارت بازرگانی و سازمان غله سابق انجام گرفته و همواره

سعی شده است که هیچ وقفه‌ای حاصل نشود. با توجه به این زحمت عظیم که به لحاظ کمیته کشیده می‌شود با این حال نمی‌توان گفت که چرخه هیچ مشکلی ندارد و یک جایی ما متوقف بشویم، کارهای بسیار بزرگ و زیادی بایستی در این چرخه صورت بگیرد و در این چرخه اصلاحاتی لازم است انجام بگیرد و همین اهمیت موضوع را نشان می‌دهد در واقع برنامه ریزی استراتژیک در لجستیک و زنجیره تأمین کالای اساسی در خصوص گندم، آرد و نان مستلزم یک اصلاحاتی است که من بعد در صفحات بعدی می‌آورم تقریباً می‌توان گفت که هر کدام از اینها می‌تواند در رابطه با آن موضوعات صدق کند و سرآغاز آن‌ها باشد. مطلبی چون فناوری اطلاعات و ارتباطات، مسائلی مثل پیش بینی و برآورد، مدیریت موجودی، مکان‌یابی تسهیلات، نگهداری، انبارداری و حمل و نقل و توزیع لجستیک حوادث غیرمترقبه، هماهنگی و یکپارچگی، برون‌سپاری و شراکت و سرانجام افزایش بهره‌وری.

ما در تمام طول این زنجیره از بالا تا پایین بایستی انجام بدهیم کار تازه شروع نشده که یک مقدار از مسیر طی شده و راه زیادی نیز در پیش رو داریم که بایستی انجام دهیم.

بیشتر نظر روی این است که آقایان محققین یا کارشناسان که می‌خواهند در این زمینه کار کنند بایستی یک اطلاعات و آگاهی نسبت به این زنجیره داشته باشند که بتوانند بیشتر روی این زمینه اقدامات اساسی انجام دهند و پیشنهادات کاربردی تری ارائه دهند.

زنجیره تأمین گندم، آرد و نان همینطور که قبلاً توسط آقای دکتر فراهانی نیز بیان شد می‌توان گفت ۶ حلقه اصلی در زنجیره تأمین گندم، آرد و نان داریم که این ۶ حلقه اصلی، اولین حلقه آن مزارع و روستاهای تولیدکننده گندم یا نقطه تولید گندم است. دومین حلقه مراکز خرید و تحویل گیری گندم و سومین حلقه سیلو و انبار تاسیسات ذخیره‌سازی گندم است، کارخانجات تبدیل گندم به آرد، واحدهای مصرف‌کننده شامل صنوف صنایع نان و غیر نان و سرانجام مصرف‌کنندگان نان و کالاهایی که در آن‌ها آرد مصرف می‌شود. نگاهی به این زنجیره، چند مورد را مشخص می‌کند این سیستم در گذشته کاملاً دولتی (۱۰۰ درصد دولتی) بوده و حرکت‌هایی که اخیراً انجام گرفته یک مقدار از بار دولتی بودن کمتر شده و در جهت اینکه انحصارات کمتر و سیستم باز و آزادانه‌تری ایجاد شود.

البته انحصار که تعریف می‌شود، انحصار را در این سیستم دولتی نمی‌توان مطرح کرد چرا که انحصار به معنی واقعی حتماً بایستی یک حاشیه سودی مطرح باشد که در اینجا واقعاً این مسئله مطرح نیست و وزارت بازرگانی دنبال سود نمی‌گردد یک سیستمی است که واقعاً با آن درگیر شده و تا بحال تا

بوده که تا به حال در مورد زنجیره تأمین گندم، آرد و نان مطرح شده و راهکارهایی برای آن ارائه شده حال موفق یا غیر موفق.

برای اینکه یک دید بهتری در مورد مراحل این زنجیره و نحوه عملکرد آن داشته باشیم قرار است مهندس مهری توضیحاتی را در این زمینه بدهند.

■ **مهری:** اول در خصوص این میزگرد موضوع را از اینجا مطرح کنم که بحثی وجود داشت در زمینه بهبود وضع موجود و یا طراحی از صفر بی‌انصافی است که در خصوص زنجیره تأمین گندم، آرد و نان بگوییم چون در این سال‌ها خیلی روی این مباحث کار شده است و اینکه درجه موفقیت آن هم چقدر بوده بستگی به خیلی عوامل داشته البته در اینجا بهبود وضع موجود مطرح می‌باشد. یک توضیح در مورد دسته‌بندی در خصوص گروه علمی و گروه اجرایی که اینجا شده بگوییم:

مرکز پژوهش‌های غلات که بنده هم از آنجا می‌باشم همچنان کار اجرایی آنجانی انجام ندادهام و کار ما پژوهشی و بررسی‌های کارشناسی است. در خصوص لجستیک و زنجیره تأمین همچنان که آقای دکتر فراهانی فرمودند لجستیک یک امری است که بایستی روی سری کالا در کشور انجام بگیرد و گندم، آرد و نان بخشی از آن است.

ابتدا یک مقدمه‌ای راجع به زنجیره تأمین گندم، آرد و نان است و اهمیتی که نان دارد اصلی‌ترین ماده در رژیم غذایی مردم که همه می‌دانند که تا ۶۰ درصد از کالری‌ها، ویتامین‌ها و پروتئین‌ها مورد نیاز مردم بخصوص اقشار محروم را در جامعه تأمین می‌کند. گندم، آرد و نان به عنوان فرآیند اولیه که از گندم شروع کنیم ما در امسال حدود ۱۱ میلیون و ۴۳۰ هزار تن خرید گندم از کشاورزان داشته‌ایم که تقریباً می‌توانیم بگوییم که تحویل گندم ما در سال حدود ۱۱/۵ میلیون تن گندم است در ضمن یک تفاوتی هم وجود دارد که تحویل خرید گندم و تولید گندم محاسبه می‌شود معمولاً تولید گندم به اعتقاد ما با بررسی‌هایی که انجام داده‌ایم می‌توان گفت ۲ میلیون تن حداکثر بالاتر از میزان گندمی است که وزارت بازرگانی تحویل می‌گیرد و این ۲ میلیون تن هم چیزی حدود یک میلیون تن آن تا یک میلیون و دویست هزار تن آن بذری است که چه وزارت کشاورزی توزیع می‌کند چه خود کشاورزان از گندم قبل‌نگه می‌دارند برای آینده یک مقداری هم خود مصرفی است که در این سال‌ها فوق‌العاده کم شده.

چون گندم را کشاورزان با قیمت‌های دولتی ۲۱۰ تومان تا ۲۴۰ تومان به فروش می‌رسانند تقریباً آرد را دولت مجانی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد یعنی به مبلغ ۷۵ ریال که قیمت آرد می‌باشد و وزارت بازرگانی کرایه حمل را از وزارت بازرگانی از روستائیان نمی‌گیرد ولی از نانوایان شهری دریافت می‌کند یعنی این مبلغ کرایه حمل آن نیز نمی‌گردد.

بنابراین کشاورزان همه گندم را تحویل می‌دهند اگر بعضی از جاها که مقداری گندم را برای خود مصرفی، خوراک دام و... نگه می‌دارند و می‌توان گفت در ایران ۱۱/۵ میلیون تن تا حدود ۱۳/۵ میلیون تن گندم داریم. وزارت جهاد کشاورزی که حدود ۱۴ تا ۱۴/۵ میلیون تن می‌گوید و FAO هم آمارهای وزارت جهاد کشاورزی را می‌پذیرد. ولی منبع آماری آن همان منبع وزارت کشاورزی است از این ۱۱/۵ میلیون تن گندم چیزی حدود ۱۰ میلیون تن آرد تولید می‌شود که این ۱۰ میلیون تن آرد برنامه‌ریزی مناسبی می‌خواهد.

در مورد لجستیک و تأمین به موقع آن‌ها و جمع‌آوری خرید گندم چیزی حدود ۲ هزار نقطه صورت می‌گیرد یعنی ۲ هزار مرکز خرید مادر کشور متشکل از مرکز خرید بزرگ و کوچک داریم که حمل و ذخیره آن‌ها در ۵۰۰ واحد ذخیره‌ای نگهداری می‌شود و به ۲۳۰ کارخانه آرد توزیع و ارسال می‌شوند. توزیع آرد استحصالی حدود ۵۵ هزار تا ۵۷ هزار واحد نانوایی در سراسر کشور

اینجا رسیده و شاید ادامه این راه با ضرر و زیان‌هایی همراه باشد که بایستی از این نظر فکری در این خصوص انجام شود.

در نقطه اول که ما مراکز روستایی و تولید گندم را داریم در این جا سیستم‌های حمل و نقل آن‌ها نیز مدیریت دولتی است. اگر بخواهیم وضع موجود را تشریح کنیم می‌توانیم بگوییم حدود ۱/۵ میلیون خانوار بهره‌بردار بازرگانی دولتی از طریق شرکت‌های غله و خدمات ۱۴ منطقه کشور به حدود ۳۰۰ مرکز شامل سیلو انبارهای ملکی و انبارهای کارخانجات آرد بیش از ۱۰۰۰ مرکز تعاونی روستایی تحویل می‌دهند.

این آماری که ما امسال داشتیم سال ۸۵ ما ۱۶۰۰ مرکز تعاونی خرید روستایی فعال داشتیم و ۲۶۲ مرکز خرید غله در شرکت بازرگانی دولتی. این ۱۶۰۰ مرکز تعاونی روستایی مربوط به ۳۵۰۰ واحد تعداد تعاونی‌های روستایی است که در کشور وجود دارند.

ما از همان زمان آهنگ تحویل‌گیری گندم با مشکلاتی مواجه هستیم. از فروردین تا آذرماه فصل خرید گندم است. در فروردین ماه ۰/۲ درصد، اردیبهشت ۱۰/۴ درصد، در شهریور ۶ درصد، مهر ۱/۷ درصد، آبان ۰/۲ و آذر ۰/۱ درصد کل خرید ۱۱/۵ میلیون تن را خریداری می‌کنیم. ولی اگر نگاه کنیم به خرده‌تیر و مراد متوجه می‌شویم که در عرض این سه ماه ۸۰ درصد خرید گندم را بایستی دولت انجام دهد و همان زمان تحویل می‌گردد که یکی از بزرگترین چالش‌هایی که در زمینه کیفیت وجود دارد.

روی این مسئله است که این مسئله به راحتی قابل حل نیست از شروع آن از مکانیزم قیمت‌گذاری گرفته تا تحویل گندم براساس ماه‌های متفاوت که بایستی مطرح شود که در خریدهای تضمینی توضیح خواهیم داد شاید بتوانیم تا حدودی این مشکلات را حل کنیم و گرنه به این سادگی قابل حل شدن نیست و این ظرفیت‌های خیلی زیادی را می‌پذیرد. ۸۰ درصد، ۸/۵ میلیون تن گندم را در سه ماه بخواهیم تحویل بگیریم.

ظرفیت‌های ذخیره‌سازی، سیستم‌های حمل و نقل که توضیح داده شد که ۸۰ درصد کل گندم قابل تحویل مربوط به سه ماه خرداد، تیر و مراد است یعنی ۹,۳۰۰,۰۰۰ تن گندم در سه ماه از سال و ۲۰ درصد یا ۲,۲۰۰,۰۰۰ تن دیگر در بقیه ماه‌های سال تحویل گرفته می‌شود که بایستی فکری به حال این سیستم کرد. علاوه بر این حجم عظیمی از ظرفیت ناوگان حمل و نقل کشور در این مدت کوتاه بکار برده می‌شود. چیزی حدود یک میلیون وسیله نقلیه درگیر می‌باشند. در خصوص این خرید که با توجه به اینکه همزمانی این حمل و نقل زمانی که با برداشت سایر محصولات زراعی و باغی باشد کرایه حمل‌ها بسیار بالاست. بعضاً با کمبود کامیون مواجه می‌شویم و هزینه‌های فوق‌العاده زیادی بابت این حمل‌ها پرداخت می‌شود. چیزی حدود ۷۰ میلیارد تومان بابت هزینه حمل این ۸/۵ میلیون تن گندم که خود شرکت بازرگانی دولتی خریداری می‌کند پرداخت می‌شود. اصل قیمت گندم هم به طور متوسط به ازای هر کیلو ۲۱۰ تومان می‌باشد که شرکت بازرگانی دولتی پرداخت می‌کند که مبلغی حدود ۲,۴۲۰ میلیارد تومان هم هزینه خرید اصل گندم می‌باشد.

اگر بخواهیم یک حساب کلی داشته باشیم ما به ازاء هر تن خرید گندم، به ازاء هر کیلو که توسط دولت مبلغ ۲۰۵ تومان اعلام و عملاً مبلغ ۲۱۰ تومان خریداری می‌شود. ما مبلغی حدود ۳۰ تومان به ازاء هر کیلو هزینه‌های طبیعی خرید به علاوه ۲۱۰ تومان به ازاء هر کیلو گندم بدون دستمزد آسیابان که به آرد تبدیل شود که اگر بخواهیم دستمزد آسیابانی را هم در نظر بگیریم مبلغی حدود ۴۰ تومان هم به ازاء هر کیلو هزینه‌های طبیعی خرید است که جمعاً ۳۰ تومان و ۲۱۰ تومان برابر است با ۲۴۰ تومان در جلو درب سیلوها برای دولت هزینه در بردارد که در حال حاضر قیمت فروش را نیز جدیداً ۲۴۱ تومان اعلام کرده‌اند. این یک شمائی از وضعیت خرید که بعداً راجع به چند مورد از اصلاحات

آن صحبت خواهیم کرد در مورد ظرفیت ذخیره‌سازی بایستی خیلی سریع بگذریم. ظرفیت ذخیره‌سازی که کشور دارد چیزی حدود ۶ میلیون تن ظرفیت ملکی دولتی است که شرکت بازرگانی دولتی دارد. کارخانجات ۳ میلیون تن ظرفیت دارند و تعاونی روستایی چیزی حدود ۲ میلیون تن ظرفیت دارد که جمع آن حدود ۱۱ میلیون تن ظرفیت ذخیره‌سازی کشور است. که البته در این خصوص نیز باید اصلاحات صورت بگیرد چون حدود ۳۰ درصد تا ۴۰ درصد این ذخیره‌سازی استاندارد نیست که بایستی روی آن ترمیم صورت بگیرد.

وضعیت ذخیره‌سازی کارخانجات که در خصوص آن بخواهیم اطلاعاتی داشته باشیم و ظرفیت اسمی تولید آرد در کشور است به طور کلی ما ۳۳۶ کارخانه تولید آرد در کشور داریم. بنده جدولی ارائه می‌کنم که به طور خلاصه بگویم که در آینده زنجیره کارخانجات آرد کشور نقش مهمی خواهند داشت. چه به لحاظ ارزش انباشت سرمایه که در این مدت داشته‌اند و چه از لحاظ نقش واسطه‌ای که در این وسط دارند می‌توانند نقش مهمی را بازی کنند هم نقش مثبت و هم نقش منفی. ما ۳۳۰ کارخانه آرد در کشور داریم که این کارخانجات ظرفیتی معادل ۱۷/۵ میلیون تن ظرفیت آرد دارند. ۱۷/۵ میلیون تن که امروز هم یک مقدار از ظرفیتشان را تصمیم دارند افزایش دهند. در وزارت صنایع و آن‌ها ادعا می‌کنند ظرفیتی معادل ۲۰ میلیون تن تا ۲۱ میلیون تن ظرفیت دارند.

ولی ظرفیت‌های استاندارد و منطقی آن‌ها چیزی حدود ۱۷/۵ میلیون تن است. ولی همین حالا ما ۱۰/۵ میلیون تن تا ۱۱/۵ میلیون تن آرد بیشتر احتیاج نداریم و ۷ تا ۸ میلیون تن ظرفیت خالی کارخانجات تهدیدی است برای کارخانجات آرد در آینده که بایستی در این زنجیره فکری به حال آن اندیشید. حالا باید زمینه صادرات بوجود بیاید یا توجه به قیمت گندم در ایران باز هم مشکلات خود را دارد. ولی این ظرفیت که می‌تواند بیشتر هم شود معطل و بلا استفاده قرار بگیرد و یکی از تهدیدهایی است که در زمینه آرد وجود دارد. ظرفیت‌های انباری که در این سال‌ها ایجاد کرده‌اند یک چیزی حدود ۳,۷۸۰/۰۰۰ تن است که متأسفانه نمی‌توانیم بگوییم این ظرفیت‌ها ظرفیت استاندارد است. ظرفیت انبارهای ساده است که این انبارهای ساده انبارهایی است که بیشتر توقف گندم و انبار ترانزیت محسوب می‌شود تا ما بخواهیم نام آن را ذخیره‌سازی بگذاریم. چون در ذخیره‌سازی نبایستی گندم به لحاظ کیفیت تهدید شود.

یکی از مواردی که جزء ضایعات صحبت می‌شود ضایعات گندمی است که مثلاً آب دیده شود، کپک زده، کلوخه شود و با چشم دیده شود. بسیاری از این سیستم‌های ذخیره‌سازی که مورد استفاده است اگر آن انبار از کیفیت مناسبی برخوردار نباشد دائماً نتواند گندم دوران پیدا کند و تنفس درستی داشته باشد درجه حرارت تنفس گندم به شدت بالا می‌رود و فعالیت آنزیمی وسیع و زیادی خواهد داشت که تقریباً می‌توان گفت گندمی که فعالیت آنزیمی معمولاً از ۷۰ پایین‌تر و از ۱۰۰۰ بالاتر برود یک چیزی شبیه کاه می‌گردد و نمی‌توان به آن گندم گفت. بنابراین این ظرفیت ۳,۷۸۰,۰۰۰ تن شاید یک میلیون تن ظرفیت استاندارد باشد که در زمینه استانداردسازی آن هم باید حرکت کرد. بعد از این مطالب شمائی از وضعیت نان داریم که چون شمائی مسئله از مزرعه تا سفره است سهم لجستیک بایستی تأمین نماید. ۶۶۲ و ۵۷ واحد نانوايي در سراسر کشور وجود دارد که این واحدهای نانوائی هم وضعیتی آشنا دارند بیشتر نانوائی‌ها در استان تهران قرار دارد. تهران سالی ۱,۸۰۰,۰۰۰ تن گندم مصرف می‌کند و حدود ۴ تا ۵ هزار تن آرد در روز که مقدار زیادی است. اشاره‌ای به اصلاحات که در این زنجیره و در این زمینه‌ها بایستی انجام شود، که این زنجیره بتواند یک زنجیره داریم و استواری داشته باشیم.

اول وضعیت موجود را بررسی کنیم. وقتی می‌خواهیم برنامه اصلاحی

بدهیم در آینده مثلاً در ۴ تا ۵ سال آینده حتماً بایستی کاهش تصدیی گری دولتی و ورود بخش خصوصی را ببینیم. یعنی داخل آن فاز همانطور که نوشته ایم در همان فاز بایستی حرکت شود نه در زنجیره دولتی، بعد در زنجیره های دولتی هم شاید به این راحتی نتوان فرار و نجات پیدا کرد. بایستی اصلاحاتی در وضع موجود هم داشته باشیم که بعد این ها زمینه هایی شود یعنی همانطور که گفتیم وظیفه دولت این است که این زیرساخت ها را فراهم کند. همانطور که گفته شد آن اعتبارات و تسهیلات را فراهم کند یا امکانات دیگری در جهت بالا بردن کیفیت، شناساندن کیفیت، مسئله آموزش که مسئله بسیار مهمی است در این زیرساخت ها بایستی حتماً رعایت گردد. من بیشتر می خواهم بگویم در این چرخه می توان به این مسایل توجه نمود. به طور کلی هدف از این اصلاح وضعیت موجود باید کاهش تصدیی گری دولت باشد و بردن نقش دولت به همان نقش نظارت، سیاست گذاری و تنظیم بازار باشد. چون ما بر روی گندم و آرد تا سال ها به لحاظ ویژگی های خاص جغرافیایی، آب و هوایی، اقلیمی، تغذیه ای مردم، نقش نان و سهم آن در سفره مردم و همه اینها نیازمند آن است که شما توجه داشته باشید که نقش دولت به این سادگی رها کردنی نیست و دولت نمی تواند نقش خود را یکباره رها کند.

در کل دست بردن داخل این چرخه و این سیستم مستلزم یک آگاهی بسیار دقیق و ریز و کار کردن داخل این سیستم است یعنی باید بدانیم داخل سیلو چه خبری است و چه می گذرد، داخل حمل و نقل چه اتفاقی می افتد، داخل کارخانجات آرد با چه مسائلی روبرو هستیم که بتوانیم آن اصلاحات را انجام بدهیم. از اینکه ما در خدمت شما هستیم فقط ثمره ۲۵ تا ۲۶ سال غور کردن در این سیستم است هم در کارهای اجرائی بودن و هم در مرکز پژوهش ها یک مقداری فرصت مطالعه بیشتر داشتند. این مطلب را باید بدانیم افرادی که دست اندر کار اجرائی هستند وقت این کار را ندارند. مهم ترین مشکل و عامل که سر راه اصلاح گندم، آرد و نان وجود دارد این است که نمی توان این سیستم را متوقف کرد و از یک نقطه خاص اصلاحات را شروع کرد این سیستم در حال کار کردن بایستی اصلاح شود. مثلاً این طور نیست که به شما یک زمین ده هکتاری بدهند و بگویند که یک شهرک مناسب بسازید و شما هم از ابتدا شروع می کنید و با بهترین برنامه ریزی شروع به ساخت کرده و به انجام می رسانید ولی اگر به شما یک بافت فرسوده که کوچه های یک متری و حتی نیم متری دارد را بخواهید اصلاح نمایند بایستی به شیوه دیگری عمل نمایند در این سیستم بخشی باید خراب شود که افرادی ناراضی می شوند و ضرر می بینند و در مسیر این اصلاح هنر اصلاح گراست که می رساند در حال حرکت بتواند به بهترین نحو این اصلاحات را انجام دهد. در زمینه خرید گندم بنده فقط چند نکته را اشاره می کنم:

۱- قیمت گذاری گندم: آیا نظام قیمت گذاری گندم، قیمت گذاری صحیحی است یا خیر. در حال حاضر ما یک خرید به نام خرید تضمینی داریم. خرید تضمینی یک قیمت انتخابی یا قیمت هدفی است. ما در زمینه خرید تضمینی گندم یکی اینکه بایستی از این خرید تضمینی در زمینه اهدافی استفاده کنیم. این اهداف بایستی تعریف شده باشد که ما می خواهیم به کجا برسیم. الان اگر دو سال خشکسالی در استرالیا نمی داشتیم قیمت جهانی گندم خیلی قیمت پایین تر از قیمت کشور ما بود. فرض کنیم که اگر ما می خواهیم یک قیمت تضمینی خرید را اداره کنیم چه اهدافی را بایستی دنبال کنیم. یکی اینکه ما این افزایش قیمت ها را تا کجای خواهیم ببریم یعنی اگر ما می خواهیم خرید تضمینی انجام بدهیم اگر یک سال آینده گفتیم بخش خصوصی باید وارد خرید گندم شود آیا بخش خصوصی می آید گندم های کشاورزی را بخرد یا از خارج وارد می کند و آیا این مسئله دو سال دیگر تهدیدی برای کشاورزان محسوب نمی شود چون همین امسال که اجازه داده شد یک مقدار بخش

خصوصی وارد خرید گندم شود اولین اقدام آن ها ورود حدود ۴۰ هزار تن گندم از استرالیا و خارج کشور بود. البته خوشبختانه قیمت جهانی گندم بالا رفت. در کل نحوه مکانیزم قیمت گذاری گندم باید اهدافی را دنبال کند.

۲- ما بایستی به دنبال استانداردهای بیشتری گندم باشیم یعنی اهداف کیفیتی داخل آن نهفته باشد که مشکلات این مسایل کیفیتی چیست؟ که موفق نمی شود. به هر حال در زمینه خرید گندم یک اصلاحات سخت افزاری لازم است یک اصلاحات نرم افزاری.

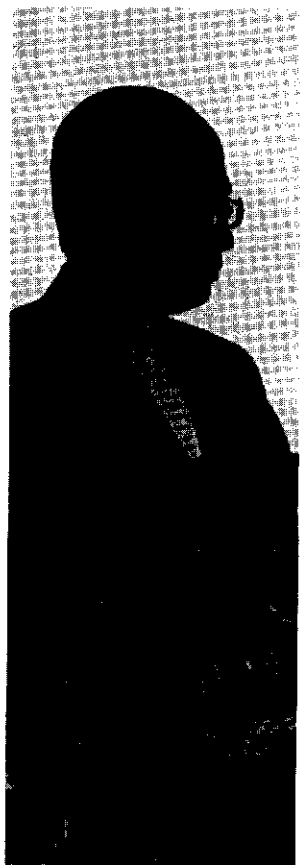
اصلاحات نرم افزاری آن یکی مکانیزم قیمت گذاری است که باید انجام شود و اصلاح شود، اصلاح جنول پاکی گندم و استانداردسازی. حالا برای آنکه بگوئیم جنول پاکی گندم چیست و چطور به این سمت پیش برویم خرید گندم هر سال براساس این جنول صورت می گیرد. یعنی هر سال دولت اعلام می کند که در افت مفید ۴ که با رنگ سبز و افت غیر مفید ۲ قیمت گندم، قیمت ۲۰۵ تومان اعلام می شود به عنوان قیمت پایه گندم. در صورتی که این قیمت پایه گندم در افت مفید ۴ و افت غیر مفید ۲ که با خانه های زرد رنگ نشان داده شده است ۲۰۵ تومان، با اعلام قیمت پایه گندم معلوم نیست بر چه اساسی قیمت پایه گندم ۲۰۵ تومان اعلام شده است.

ما قیمت پایه را در رنگ بنفش در جدول باید ببینیم و این برای هر کیلو ۲ تومان اختلاف است یعنی یک اصلاح کلی اینجا در ۱۱ میلیون تن گندم مبلغی حدود ۲۲ میلیارد تومان می تواند تفاوت داشته باشد در نرخی که دولت تعیین می کند و جالب اینجاست که این رقم به جیب کشاورزان هم نمی رود.

هدف از اصلاح جنول پاکی گندم عبارتست از: بخش خصوصی وارد شود، صرفه جویی در هزینه خرید و حمل صورت بگیرد. باعث ارتقاء سطح ایمنی و بهداشتی مواد غذایی شود، ایجاد زمینه های لازم برای خرید گندم براساس کیفیت ذاتی. یعنی ما بایستی در نظر خرید گندم آن

پایه های لازمی که به وجود بیاوریم الان در کیفیت ظاهری خرید انجام می دهیم بعد کیفیت ذاتی گندم هم دخالت پیدا کند و سائلی مانند پروتئین گندم... در قیمت گذاری دخالت داده شود.

اصلاحات، مکانیزه کردن خرید می باشد در حال حاضر سیستم خرید ما خرید سنتی، قدیمی که با دست انجام می گیرد و حتی کیفیت ظاهری را خوب نمی تواند تأمین کند الان سیستم هایی در دنیا کارائی دارد که یک سیستم پایلوت ما روی آن کار می کنیم که از نمونه برداری گندم قسمت اول آن sampling شروع می شود که به صورت اتوماتیک صورت می گیرد و افت به صورت اتوماتیک زده می شود و رطوبت به صورت اتوماتیک ثبت می شود و همه اینها به کامپیوتر مرکزی وصل شده و کیفیت ظاهری را اندازه گیری می کنند. دستگاه NIR است که خصوصیت ذاتی انجام می شود یعنی در عرض ۳ دقیقه یک کامیون گندم موجود هم خصوصیت ظاهری و هم



خصوصیت ذاتی آن به وسیله کامپیوتر ثبت می شود و پرینت گرفته می شود و مشخص می شود و مشخص می شود این گندم چقدر افت، رطوبت و پروتئین و گلوتون و خصوصیات ذاتی دارد که ما می توانیم در جهت همان برنامه های ساماندهی بازار گندم، آرد و نان که ابلاغ شده حرکت کنیم. به نوعی زیرساخت هایی است که دولت بایستی به عنوان الگو ارایه بدهد در زمینه سخت افزاری. خوشبختانه یک کار خوبی هم که انجام گرفته در زمینه مکانیزه کردن خرید و پرداخت نقدی به کشاورزان است که این توانسته است خیلی مثبت باشد و کشاورزان را خیلی راضی نگه دارد. پایلوت موجود یکی در خراسان رضوی نصب شده، یکی در سیلوی اکبر آباد شیراز و یکی دیگر هم در انبار طریق القدس تهران.

خوشبختانه توانسته ایم یک مقدار به شرایط خودمان نزدیک کنیم چون هیچ سیستم ماشینی در دنیا نیست که بیاید و مسائلی که ما با آن درگیر هستیم و خواسته ما است را حل کند ولی ما توانسته ایم این مورد را نزدیک کنیم. مثل همان ماشینی کردن نان که هیچ سیستمی در دنیا نیست که بتواند نان سنگک ما را تولید کند ولی بایستی یک سری کار بر روی آن انجام شود.

در مکانیزم خرید مودی که باید بر روی آن کار کنیم، امسال ۱۰۰ درصد خرید را در کشور بازرگانی دولتی انجام خواهد داد. ولی یکااش سازمان های تعاونی روستایی و این شرکت های تعاونی روستایی و اتحادیه آن ها امروز آنقدر قدرت داشتند که این خرید توسط آن ها انجام می شد. سازمان تعاون روستایی بعد از ۳۰ سال به نظر من یک مقدار مستلزم این است که بررسی شود. ما پیشنهاد به چند نفر از دانشجویان کرده ایم که در این زمینه تز دانشجویی بدهند وضعیت سازمان تعاونی روستایی را بعد از ۳۵ سال بررسی کنند که چرا الان این شرکت تعاون روستایی ها کنار می روند. در استرالیا بزرگترین خریداران گندم مجتمع های تولیدی و کشاورزی روستایی است که برای خود سیلو دارند فقط در جنوب استرالیا در آدلاید ۲۰۰ نقطه وجود دارد که امروز یکی از فروشندگان بزرگ هستند و این موارد قابل بررسی است. در حال حاضر شرکت بازرگانی دولتی ۱۰۰ درصد خرید را انجام می دهد و انشاء... بایستی در کشور به سمت خصوصی سازی برویم و چرا سازمان تعاون روستایی بعد از ۳۵ سال هنوز نتوانسته است به عنوان خریدار این امور را در دست بگیرد. اینجا قابل ذکر است که چرا شرکت های تعاونی پس زده شد چون که یک بخش دولتی بود در کنار شرکت بازرگانی دولتی و سازمان غله سابق همینطور که راه ها و راه سازی در ایران زیاد شد روستاها به شهر نزدیک شدند و کارخانجات آرد زیاد گردید، سیستم های ذخیره سازی غله افزایش یافت و مسایل بانکی رشد کرد در حال حاضر شرکت تعاونی روستایی دیگر کاری ندارد که در حال حاضر شرکت بازرگانی دولتی همه گندم موجود را خریداری می کند به این دلیل است که به آن سمت خصوصی سازی نیز حرکت کرد. در زمینه حمل و نقل کار مشترکی بود که با آقای دکتر فراهانی انجام دادیم. حمل و نقل و ذخیره سازی و سیستم های حمل و نقل از لحاظ لجستیک از مهم ترین مسائلی است که بایستی روی آن کار شود.

آخرین بخش صحبت ما یک الگوی پیشنهادی است که ما بر روی این الگو قبلاً با آقای دکتر فراهانی کار کرده ایم. بایستی این گندم ۳ ماه در کشور ذخیره استراتژیک داشته باشد که خواستیم الگویی ارایه بدهیم که همه استان ها باید همه سال از کیفیت متوسط گندم مصرفی برخوردار باشند گندم ها بایستی دوره خواب را سپری کنند که کیفیت مناسبی داشته باشند. اولویت ها در ذخیره سازی و تخلیه انبارها در نظر گرفته شود و استفاده از کلیه ظرفیت های ذخیره سازی کشور، که این الگو یک الگویی است که هر سال می تواند در کشور نو شود و با توجه به ورود یک بخش خصوصی که چه درصدی را بخش خصوصی انجام دهد و چه درصدی را بخش دولتی، که این دو بخش در این

الگو مشارکت کنند که بتوانند با حداقل هزینه ها این را انجام دهند و در زمینه ذخیره سازی هم ما باید به سمت استاندارد سازی پیش برویم. در زمینه حمل و نقل همانطور که قبلاً ذکر گردید باید استاندارد باشد که امروزه این حمل و نقل در کشور استاندارد نیست. یعنی باید در زمینه گندم از حمل و نقل بونکر و ریلی استفاده شود. در زمینه ذخیره سازی باید به سمت استاندارد سازی وضعیت موجود و رشد و گسترش ظرفیت های ذخیره سازی دیگر برویم.

در نهایت رسیده ایم به این الگو که زنجیره باید به حداقل برسد و تولیدکننده و مصرف کننده دقیقاً مقابل همدیگر قرار گیرند دولت در کنار نقش تعادل بازار را بازی کند و رونق بخشد.

حالا از اعضاء میزگرد دعوت می گردد.

دکتر خسروی نژاد از بازرگانی داخلی، مهندس مهری از سازمان غله، دکتر اخوی، دکتر فراهانی و مهندس نجمی از موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.

فراهانی: یادآوری مختصری از محورهای میزگرد ساماندهی گندم، آرد و نان

نحوه اجرای طرح ساماندهی زنجیره تامین گندم، آرد و نان که بهبود وضع موجود یا طراحی از صفر را بخواهیم کار کنیم و پیش فرض اساسی برای پیاده سازی طرح ملی ساماندهی زنجیره تامین گندم، آرد و نان که آیاروی بهبود وضع موجود کار شود یا روی وضعیت سال های آینده.

البته در صحبت های گذشته دوستان قبلاً به آن اشاره شده و معتقد هستند پارالل روی این موضوع کار شود. آقای مهندس مهری هم روی این موضوع تمرکز داشتند.

محور دوم بحث روی معضلات فعلی زنجیره تامین گندم، آرد و نان است. مرحله تولید، توزیع، حمل و نقل و تولید ضایعات است که به آن اشاره شده است. توسط آقای مهندس مهری پیشنهادات در مورد مبحث وضع موجود زنجیره تامین گندم در سایر کشورهای موفق دنیا که در این زمینه اطلاعات کمتری داریم.

بحث IT و اثر گذاری آن در زنجیره تامین گندم، آرد و نان کشور و بحث در زمینه فواید و ملزومات خصوصی سازی زنجیره تامین گندم، آرد و نان.

■ آقای دکتر خسروی نژاد: نکاتی که در میزگرد توسط جناب آقای دکتر فراهانی مطرح شد هر کدام از محورها موضوع یک پژوهش است. شاید موضوع یک سخنرانی یا میزگرد باشد مبتنی بر حداقل یک سال یا بیشتر مطالعه در زمینه خاص. حالا بعضاً مطالبی که در این میزگردها مطرح می شود برگرفته از تجربیات و دانش فرد سخنگو است.

ابتدا بنده مقداری از مباحث مطرح شده در همین جلسه و سپس اشاره ای نیز به مواردی که در محورهای میزگرد بحث شده است مطرح می نمایم.

در خصوص محور اول اینکه وضعیت موجود را نگاه کنیم یا افق آینده، چنانکه استحضار دارید معمولاً زنجیره تامین در شبکه هایی مطرح می شود که ساختار اقتصادی به سمت فضای رقابتی حرکت می کند و این فضای رقابتی میزان دخالت دولت در فرآیند اقتصادی کم هست و بنگاه ها انگیزه سود دارند و محدودیت های ورود برای بازار بسیار کم رنگ هست و مسلماً درجه تمرکز در این بازار بسیار کم است و اینجا است که شما می توانید بگویید که بعضی از بنگاه ها وارد می شوند و زنجیره تامین را در اختیار خود قرار می دهند یا اینکه بصورت مدیریت زنجیره تامین یا به صورت مالکیت یا مدیریت تامین عمده بحث آن همانگونه که اشاره شد و آقای دکتر فراهانی فرمودند مربوط به دهه ۸۰ میلادی است که بعداً در دهه ۹۰ میلادی و سال های اخیر یک ادغام هایی

که در شرکت‌ها صورت گرفته یک بازنگری روی این زنجیره‌های تامین باید صورت بگیرد یعنی دیفالت‌هایی (پیش فرض‌هایی) که ما در دهه ۸۰ داشته‌ایم با دیفالت‌هایی (پیش فرض‌هایی) که در دهه ۹۰ میلادی داشته‌ایم و با دیفالت‌هایی (پیش فرض‌هایی) که الان در دهه ۲۰۰۰ میلادی داریم خیلی متفاوت است.

در عرصه جهانی به غیر از موارد ذکر شده در کشورمان این مسیرها متفاوت است مثلاً از زمان قبل از انقلاب، دهه جنگ و حال حاضر مسلماً یک نگاهی که وجود دارد این سیستم اگر بخواهیم وارد کارائی بخش خصوصی شویم بحث بخش خصوصی بخواهد وارد شود و زنجیره تامین را اصلاح کند یک دیفالت (پیش فرض‌هایی) بزرگ باید وجود داشته باشد.

یک پیش فرض اولیه یک اقدام اساسی ما در سطح کلان نیاز داریم و آن بحث خصوصی سازی و واگذاری فرآیندها به بخش خصوصی است. حال این فرآیند واگذاری به بخش خصوصی چه الزاماتی دارد با توجه به ماهیت کالایی به نام نان که مسلماً سه بعد به هم گره خورده است. بعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. اینها بایستی مدنظر قرار گیرد که بنده فکر می‌کنم یک مطالعه پیشین بایستی روی این موضوع انجام گیرد که ارتباط بین فرآیند خصوصی سازی و خصوصی سازی در زنجیره تامین آنها در بخش کالایی مثل گندم با اصلاحاتی که بعداً مورد انتظار است برای این بخش یک قسمتی از بررسی‌هایی که بنده دیده‌ام در بخش زنجیره تامین کمتر به آن توجه می‌شود و مطالعه کمتری در زمینه آن انجام شده بحث توجه به رفتار مصرف کننده است و حساسیت‌های مصرف کننده نسبت به این کالا است به نظر بنده این نکته‌ای است و حساسیت‌های مصرف کننده نسبت به این کالا است به نظر بنده این نکته‌ای است اساسی که توجه به آن ضروری است و در فعالیت‌های پایین دستی اثر بسیار زیادی را خواهد داشت. در ارتباط با بحث اول مواردی را شما اشاره فرمودید که اقتصادهای کارا ۹ درصد و در اقتصادهای برنامه ریزی عددی حدود ۳۰ درصد.

این تفاوت مربوط به دو ساختار اقتصادی را نشان می‌دهد و در واقع شاید ما هنوز در گام‌های صفر هستیم به گام‌های یک نرسیده‌ایم باید آن اصلاحات بالادستی را آغاز بکنیم و اگر این اتفاق بیافتد اصلاحات پایین دستی، اصلاح زنجیره تامین خود به خود به لحاظ وجود انگیزش‌های مختلفی که وجود دارد هست. ولی ویژه گندم، آرد و نان یک کار خاصی را می‌طلبد چون ساختارهایش به این راحتی قابل واگذاری نیست داخل گزارش بانک جهانی هم به بعضی از این موارد اشاره شد از جمله چالش‌های سیستم اقتصادی مثل بازارهای کوچک، مثل فقدان مصرف گرائی. اینها همه شواهدی است بر ساختار اقتصادی ما. اینها مطالب قابل دگری بود برای اینکه در قسمت بالایی قضیه هستیم حالا در قسمت‌های پایینی هم می‌توان مسائلی را بحث کرد که در فرصت دوم اگر باقی بماند آریه می‌کنم.

■ **فراهانی:** خصوصی سازی را پیشنهاد استفاده از دستاوردهای مدیریت زنجیره تامین می‌دانیم اگر غیر از این باشد ما باید به همان مدیریت لجستیک اکتفا کنیم که در وضعیت فعلی وضعیت ما به گونه‌ای است که جناب آقای مهندس مهری هم فرمودند.

■ **اخوی:** بنده چند نکته را خواستم اشاره بکنم و سپس در خصوص پرسش و پاسخ:

اول اینکه واقعیت این است که دکتر خسروی نژاد هم اشاره کردند اینکه طرح ساماندهی گندم، آرد و نان کار فقط دولت نهم نیست. تقریباً از سال ۱۳۸۲ در این زمینه مطالعه شده و سازمان غله طرحی در معاونت برنامه ریزی

داشته و جلسات متعددی بحث شده و همچنین فازهای مختلف آن تعریف شده و پیشرفت‌هایی را که دولت نهم مخصوصاً اشاره کردند در این دو سال جزئی از همان فازها است که بیان می‌شود در فازها هم همان پیش بینی شده بود که اول خرید گندم را بتوانند بدست کارخانجات آرد بدهند و از انحصار دولت خارج کنند. که این هم تابحال آماری داده نشده است.

بیشتر در حد آرمانی و توصیفی بحث شده است و باید ما بدانیم که واقعاً چقدر سهم خرید دولت بوده و چه مقدار بخش خصوصی سهم خرید داشته است و هنوز این موارد کامل مشخص نیست. فقط پیشرفت آنرا با آن اعداد و ارقام می‌توان مشخص کرد. بنابراین این خوب است و انصاف حکم می‌کند که باید از زحمات گذشتگان یادی شود. یک نکته‌ای که صحبت می‌شود بیشتر این است که وضعیت چه باید باشد. اغلب صحبت نمی‌شود که وضعیت موجود چرا این طور است. بیشتر اوقات در اقتصاد مخصوصاً در تحلیل اقتصادی ما دنبال انگیزه‌ها و تحلیل عللی هستیم که چرا بازار اینطوری است. چه چیزی بازار را به جلو می‌برد، محرکی که در درون سیستم وجود دارد چه چیزی است بعد می‌پردازیم به تغییر آن. اغلب دیده می‌شود که دوستان از داخل عمق قضیه یا غوری در علل آن نمی‌کنند و اغلب تحلیلی آریه نمی‌شود مثلاً اینکه آیا گندم واقعاً اولین کالایی است که باید خصوصی سازی شود یا نه آخرین کالا است.

بحث مهمی که مثلاً در مورد گندم تلاش می‌کنیم، بستر سازی می‌کنیم اما اینکه بخش خصوصی بخواهد به گندم مثل بحث مثلاً سفته بازی طلا نگاه کند که نمی‌شود ما یک کالای استراتژیکی مثل گندم که با قوت مردم سروکار دارد که نباید اسیر بحران‌هایی بکنیم یعنی سازوکاری باید تعریف شود که این سازوکار حتماً تامین کالری مردم از نان را که در شهری حدود ۴۰ درصد و روستایی بالای ۵۰ درصد از نان است این را حتماً تضمین بکند بنده اغلب فکر می‌کنم یک سیستم جدید را به صورت نمونه سازی در کنار سیستم گذشته‌ای که در حال اصلاح شدن است جلو ببریم که هیچ اختلافی در تامین نان مردم به وجود نیاید چون از این به بعد همانطور که مهندس مهری اشاره کردند دیگر نه فقط نان مردم که تولید گندم را هم کردن وزارت بازرگانی می‌اندازند دیگر بازرگانی دولتی وقتی گندم را خود بخرد می‌گویند سازمان تعاون روستایی ما دیگر هیچ گناهی ندارد و هر کاری که انجام می‌شود وزارت بازرگانی دارد انجام می‌دهد و اگر در این نظارت‌ها از جمله خصوصی سازی کردن حمل و نقل، خصوصی سازی کردن انبارها و ذخایر و اشکالاتی ایجاد شود که با سلامتی مردم سروکار دارد یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های وزارت بازرگانی در برنامه‌های تامین امنیت غذایی دیده شده است. با کمک وزارت بهداشت و وزارت جهاد کشاورزی مسئولیت تامین امنیت غذایی مردم با وزارت بازرگانی است.

بحث دیگری که در این ارتباط به نظر بنده خیلی مهم است، بحث یارانه گندم است. بخش یارانه چرا به وجود آمده و آیا از ابتدا نقش مخرب داشته است.

الان نقش یارانه چیست؟ ما می‌دانیم که یارانه نان اصلاً مثل یارانه بنزین نیست یعنی بیشترین ثمره یارانه نان را طبقه ضعیف می‌برند. یعنی خطای نوع اول یارانه نان ندارد به ندرت دارد یعنی کمتر کسی یافت می‌شود که در روستایی دور افتاده خانوادگی رنج کشیده‌ای نتواند به نان دولتی دست پیدا کند. ولی خطای نوع دوم را دارد یعنی ثروتمندهایی که باید قیمت بیشتری برای نان بدهند نان را به قیمت ارزان می‌خرند اما این هم کم شده است یعنی در کنار سیستم حرارت مرکزی و نان صنعتی و نان فانتزی و اینها سهم استفاده آن‌ها از نان سنتی بسیار کمتر شده است. بنابراین ما مشکل

گروه‌های بر خوردار نداریم از یارانه نان برخلاف بنزین که کاملاً به عکس می‌باشد. ولی اختلافات فرآیندی برای ما ایجاد می‌کند. طبعاً قیمت‌گذاری در این که مثلاً می‌گویند سهم زنجیره تامین در زنجیره ارزش نان آیا واقعاً ۳۰ درصد است چرا ۳۰ درصد است. یعنی اگر گندم را که خریدند به قیمت تضمینی گرفته‌اند یا به قیمت یارانه‌ای. شما اگر حمل و نقل را به قیمت آزاد حساب کنید گندم خریداری را به قیمت یارانه‌ای حساب کنید خیلی سهم آن بالا می‌رود یعنی در این محاسبات باید دقت شود که در یک ساختار بازار واحد، قیمت‌گذاری واحدی اقلام را مقایسه بکنیم و این نسبت‌ها را استخراج کنیم نه اینکه یکی را ثابت بگیریم و دیگری را قیمت جاری. یا یکی را قیمت یارانه‌ای بگیریم و یکی دیگر را قیمت بازار آزاد.

این‌ها دقت‌هایی است که لازم است به عمل آید. گندم از نوع کالای پست است یعنی بی‌کشش می‌باشد. یعنی اگر هر زمان که می‌بینید وضع مردم بهتر شود اهمیت نان در زندگی پایین می‌آید و بالعکس اگر رشد اقتصادی به اندازه کافی نباشد و درآمد سرانه مردم روند رشد کافی نداشته باشد سهم مصرف نان و خوراکی‌ها بالا می‌رود و مسئولیت وزارت بازرگانی در این ارتباط افزایش می‌یابد. اگر قیمت کالای دیگر در اثر آزادسازی مثل پوشاک بتواند سهم زیادی از آن حداقل سبد خانوار را بالا ببرد مقدار کمتری برای خوراکی‌ها باقی می‌ماند و بنابراین مصرف مردم (ترکیب هزینه‌ها) بیشتر متمایل به نان می‌شود که ارزانتر است و تامین کالری از نان بیشتر می‌شود.

■ **خسروی نژاد:** لازم است چند نکته تکمیلی را عرض کنم یک مقدار از فعالیت‌های بالا دستی را مجدداً تاکید کنم. ببینید در عمده محصولات کشاورزی که ما تولید می‌کنیم دولت دو هدف مهم را دنبال می‌کند.

۱- معمولاً در کالای استراتژیک هدف خودکفایی را دنبال می‌کند و در بعضی از کالاها بحث خوداتکالی و نهایتاً بحثی که خیلی نکته بسیار مهمی خصوصاً در تحلیل‌ها باید به آن دقت شود در زمینه کالاهای کشاورزی سیاست‌های حمایتی ما در زمینه کالایی با سیاست‌های درآمدی و باز توزیع درآمد گره خورده است. شما نمی‌توانید اینها را از هم جدا کنید یعنی دولت علاوه بر اینکه در مکانیزم خرید تضمینی و تعیین قیمت تضمینی در مقوله خودکفایی را دنبال می‌کند یک مقوله دیگر مهمتر از آن به طور ضمنی دنبال می‌کند و آن ثابت نگه‌داشتن درآمد کشاورز است.

سیستم‌های بیمه‌ای ما، در کشور ما بیمه‌های درآمدی رشد پیدا نکرده است. بنابراین دولت موظف است اینگونه حمایت‌ها را در سیاست‌های قیمت‌گذاری داشته باشد. وقتی شما این هدف‌گذاری را در سطح بالا می‌بینید خیلی سیستم انعطاف پذیر نیست که بتواند باز کنید و بتواند بعضی از فعالیت‌ها را واگذار کنید. این از ملاحظات است که باید در سطح بالا به آن دقت کرد.

۲- نکته دیگر که در بحث نظام کارایی مطرح می‌شود

سوال این است که فرآیند اقتصادی چگونه بود که یک بنگاه از بازار خارج شد و سهم بنگاه به دیگری افتاد.

تعاون روستایی همانگونه که گفتند از گردونه فعالیت‌های اقتصادی و خرید و تامین از اقصی نقاط روستایی خارج شد و این وظیفه (در گندم) به عهده GTC قرار گرفت. این یک سری مسایل زیرساختی اقتصادی هم دارد پس ما با این مسایل باید نگاه بکنیم و بعد چارچوب آن‌ها را تحلیل کنیم. همه اینها دال بر این است که وضعیت موجود را بخوبی بتوانیم کالبد شکافی کنیم و در قالب وضعیت موجود بتوانیم وضعیت بهتر یا بهبود نسبی را ارائه کنیم. مسلماً تغییر وضعیت موجود آنهم به صورت ایده آل مدنظر نخواهد بود.

■ **نجمی:** بنده دو نکته را به صورت اجمالی خدمتان عرض کنم: یکی این است که در این صحبت‌هایی که تا بحال خدمت دوستان و جلساتی که برگزار شد و تجربه نشان داده و علم هم بر این تاکید می‌کند این است که واقعاً اگر ما می‌خواهیم به این مسایل بپردازیم و یا پاسخی مناسب برای اینها طرح کنیم لازم است که جامع به این مسایل پرداخته شود حالا جامع از نظر حوزه‌های علمی، حوزه‌های ملی و همچنین مسئله اقتصادی به عنوان مثال نگاه کنید توجه بیش از اندازه به بحث تولید گندم. درست است که ما در موضوع تولید گندم می‌توانیم به مرز خوداتکالی و خودکفایی برسیم و حتی نگاهمان در آینده صادرات باشد اما حتماً باید در یک نگاه کلان به این مسئله توجه داشته باشیم که توجه بیش از اندازه به خرید تضمینی گندم به سایر کالاهایی که در کشاورزی تولید می‌کنیم آسیب نزند و همه کشاورزان ما به سمت تولید گندم سوق پیدا نکنند که از نظر منفعت بیشتری منفعت را حاصل می‌کند و سریع‌ترین پول را برای کشاورز تامین می‌کند. روی این حساب به نظر می‌رسد که این حوزه را مدنظر قرار دهند که در قالب یک حوزه ملی و یک حوزه جامع، به دلیل کمی وقت فرصت نیست که بنده ابعاد جامع بودن آن و ابعاد ملی بودن را بخواهم توضیح دهم. مثلاً در حوزه ملی بودن این است که تمام دست اندرکاران این زنجیره‌ها باید داخل این حوزه باشند برای تکمیل این موضوع در قالب نکته دوم بیشتر توضیح می‌دهم. اما بحث‌های خیلی مفیدی داشتیم از ابتدا خدمت آقای مهندس دودانگه، دکتر فراهانی و همچنین آقای اخوی در خصوص اینکه ما اگر می‌خواهیم به یک شکل مناسبی در این مسیر حرکت کنیم باید حتماً به دو بال علم و تجربه توجه کنیم. این دو بال علم و تجربه نشان می‌دهند که ما باید سراغ طراحی با نگاه علمی خود برویم و به سراغ خبرگی با نگاه تصمیم‌گیری برویم. حوزه‌هایی که کار طراحی انجام می‌دهند مسلماً در مکانیزم طراحی خود نیاز به استفاده از نظر خبرگی دارند در این مسئله تردیدی نیست اما عنایت به این نکته داشته باشید که ما اگر بخواهیم صرفاً متوجه بحث طراحی شویم ماهیت طراحی به گونه‌ای است که نیاز به زمان دارد به لحاظ اینکه به صورت دقیق می‌خواهد موشکافی کند نیاز به بررسی مفصل دارد. از طرفی چون می‌خواهد علم را بکار گیرد یک سازو کار علمی و مشخصی را باید پیگیری کند اما مکانیزم خبرگی می‌تواند در کنار این که ما مکانیزم طراحی را پیگیری می‌کنیم با نشست‌های علمی و با گرد هم آمدن خبرگان این و در حقیقت تصمیم‌سازی بتوان این را تکمیل کرد. در حقیقت مطالباتی که مردم دارند و فرصتی که در اختیار داریم در تمام سیر بهبود کاری فرصت زیادی نیست که ما بخواهیم یک زمان طولانی را صرف طراحی کنیم و از این سرعت و تجربه می‌توان با خبرگی بهره‌مند گردید و موضوع دقت و علم را بوسیله طراحی از آن بهره‌مند شد و این دو نکته‌ای بود که خدمتان یادآوری گردید.

